

خاموشی و سکوت

«لولا تکلیف فی کلام و تریح قلبکم لرأیتم مارأیت و سمعتم ماسمعت»

گر نبود زیاده کوی شام و آشستگی قلوبتان هر آینه می دیدید آنچه را من می بینم و می شنیدید آنچه را من می شنوم.

حضرت محمد (ص)



جز جمال مطلق در پیش نی	مرغ حتم نغمه ایم پیش نی
خوش هم آوازیم در ذکر بخار	هر دو هم رازیم در شب های تار
ساز یک تار دگر ککوستی	آنچه می گوید نه کو آن هوستی
هوی من با هوی او آمیخته است	اشک من با اشک شبنم ریخته است
در سپیده هر دو آوا سر دسیم	نغمه ای یکتا ز دو پیکر دسیم
دست تو بر نای من هر جا که سود	نخه رحمانی عشق تو بود
ساز یکتارم نذارم نغمه پیش	نیتم جز عاشق نابی خویش

حضرت استاد

عزیزا! به راستی که بلندای زبان سکوت از غرش رعدها بیشتر است، آدمی در برابر این همه عظمت و جمال همچون قطره ای که در دریا محو می شود، حیران می گردد، گم می شود، گمشده را دیگر زبان نیست تا چه بگوید؟ درد دار را بین که در این حیرانی و سرگردانی، خاموشی را ترجیح می دهد.

(عبادت عاشقانه ص 37)

قافیه سخم ولی دلداری من کویدم منیش بز رخسار من
خوش نشین ای قافیه اندیش من قافیه دولت تویی در پیش من
غیر نطق و غیر ایما و سبیل صد هزاران ترجمان خیزد دل

. یکی را که مدت ها در سکوتی عمیق فرو رفته بود گفتم چه چیز تو را مشغول داشته؟ گفت حق؛ و سپس این آیت را خواند:
« ذلك بان الله هو الحق و ان ما يدعون من دونه الباطل »

(عبادت عاشقانه ص 94)

. خاموشی آن نیست که به فکر و غصّه دنیا فرو روی یا در حسد جاه و مال دیگران باشی، بل آن خاموشی و سکوتی که به قلب و جان خویش بنگری و آن را از غفلت و عدم رضایت باز داری و آنچه در هر لحظه از فیوضات ربّت می رسد نظاره گر باشی و آمیزش کمتر تا از آفات زمانه نیز در امان مانی .

(سافر محرم ص 188)

. اگر اندیشیده سخن گویی، گفتار خواه و ناخواه کوتاه شود که خوبان کم گویند و گزیده و از اندکشان جهان پر. تو نیز اگر خواهی با ایشان باشی :

(تعلی 2 ص 24)

کم کوی و کزیده کوی چون در تا ز اندک تو جهان شود پر

. بسا از جمله اي که در جمعي گفتي و روزها سرگرم ماني و از فراغت باز ايستي. بسا از گفنتي صد شنيدن يابي. بسا از کلامي هزار پيام شنوي. بسا از گشايش بحثي جمعي را به جنجال کشي. لب بر هم نه و از هزار فتنه در امان مان!

(همان ص 25)

. اگر اين عادت بر تو مستولي شده که دهانت بدون اذن قلبت به سخن پردازد، گوش دار تا نسخه اي نويسم! اين عادت از زبان باز گير و تا ملولش نيابي عادتي ديگر بدو آموز. عادتش ده مادام به ذکر مشغول شود که اين عضله سرخ روي، با همه چالاکيش، به دو کار نتواند پرداخت.

(همان ص 26)

. در حضور عالم و عارف تا خاموش و ساکت نباشي، بهره نبري و همه اين خاموشي ها وسيله اي بود تا تو را در حضور محبوب برد. آنجا که حضور و شهود بر تو ظاهر شود خواه و ناخواه خاموش شوي که اين مقام مقام هيبت است.

(همان ص 27)

. باش که ادب سکوت را نه تنها در ظاهر که در باطن نیز رعایت کنی که بسا در بيرون اهل سکوتي و در درون يك دنيا جنجال داري. در جنجال بيرون، به خلوت درون توان آمد؛ ولي در غوغاي درون به کجا پناه بري؟

(همان ص 27)

. بسيار مواهب که در خاموشي به دست آيد. ذکر خفي و توجه قلب و ادب حضور و استفاده از محضر بزرگان و تفکر و انس همه و همه در خاموشي باشد.

(تذکری ص 155)

. آنجا که بزرگ و عارفي از کلام خویش فیض بخشد آنجا فیضان رحمت است و سخن گفتن تو آنجا زحمت. باش تا سفره دلت را در چنین رحمت گسترده نگه داري تا عمري از نعمت بهره بر گيري.

(همان ص 156)

. هر سخن که در آن نه فايده آخرت بود و نه دنيا آن گفته لغو بود و تالاب از اين گونه سخنان نبندي انوار معرفت در دل تو ظاهر نشود.

(بمان ص 156)

. ما توصیف چیزی نکنیم. جز با گفتار و نوشتار، و گفتار و نوشتار ما از برکت ساخت جملات است و جملات ما مفرداتش کلمه و این کلمات را بشر در شأن خود و اطرافیان خود وضع نموده و هیچ کلمه و یا جمله ای توصیف حق تعالی را آن طور که شایسته اوست در بر ندارد. زین رو فرموده اند:
(مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلِّ لِسَانَهُ) (هر آن کس خدا را شناخت زبانش از گفتار باز ماند) (اصول کافی، امام علی (ع))

(یک شتاقان ص 224)

(سؤال از محضراستاد)

سکوت چه اندازه در پیشرفت انسان تأثیر دارد؟

جواب

سکوت از غیبت و دروغ و تهمت که همه گناه است و برای سالک ضروریست که از هر لغو نبردوری کند و لغو آن سخنی است که نه فایده دنیا در آن باشد و نه فایده آخرت، که متأسفانه اکثر مجالس ما پر از این سخنان است.

ولی آنجا که باشد جای گفتار خموشی آورد صد نقص در کار